



بایدون ترجمه، جهان تاریخ ندارد

• ل. ج. کلی
• برگردان: اتوسا حمیدخانی



مطالعه تاریخ ترجمه، به علاقه‌مندان ترجمه، ادبیات و فرهنگ کمک می‌کند تا بتوانند آنچه را که ترجمه به تمدن و توسعه‌ی زندگی فرهنگی روشنفکرانه اهدا می‌کند بهتر درک کنند.

ترجمه رابطه‌ای نزدیک با رشد اندیشه و تمدن بشر دارد. به این معنا که تمام مقاطع بیداری در تاریخ ملل با ترجمه آغاز شده است.

ترجمه دیدگاه‌های گوناگون را در جهت مدرنیته شدن و روشن‌فکری به ملت‌ها معرفی می‌کند. برای این که ترجمه را بتوان به عنوان موضوع مستقل بررسی کرد، ابتدا لازم است تاریخ ترجمه بررسی شود. تاریخ ترجمه بر خورد فرهنگی و روشنگرانه بین مردم و تمدن‌ها را در طول تاریخ روشن می‌سازد. در این زمینه «آنتوان برمن» تئورسین فرانسوی می‌نویسد:

«وظیفه یک نظریه مدرن ترجمه ساختن تاریخ ترجمه می‌باشد.»

ترجمه در گذر تاریخ

در زبان یونانی کلمه «هرمنئوس» به معنای «مترجم-مفسر» است که برگرفته از خدای «هرمس» می‌باشد. فعل «هرمنئو» نیز این معانی را دارد: «تعبیر زبان بیگانه، ترجمه کردن، توضیح دادن، موبه مو شرح دادن، به کلام آوردن، بیان کردن و درباره چیزی نوشتن.»

معانی دیگر «مترجم-مفسر» در زبان یونانی (میانجی - دلال - کارچاق کن) نشان می‌دهد که مترجمین در زمان قبل از تاریخ حتی هنگامی که هنوز نوشتن اختراع نشده بود وجود داشتند.

در زمان‌های گذشته، عقاید و نظریات از طریق مسافران و بازرگانان از فرهنگی به فرهنگ دیگر منتقل می‌شد و در این جریان تدریجاً نقش ترجمه شکل گرفت و ادامه پیدا کرد تا به این حد که امروز نقش کلیدی در پیشرفت فرهنگ جهان دارد. به عنوان مثال، ترجمه در حرکت علمی از یونان باستان تا ایران، از هند تا سرزمین عربها، از اسلام به مسیحیت و از اروپا به چین و ژاپن نقش

سربانی و یونانی، در فرهنگ عربی و فارسی. ایرلندی‌ها (قرن هشتم بعد از میلاد): نیاز به واسطه مهم بین تاریخ باستان و قرون وسطی غرب بعد از تسخیر اسپانیا توسط مسلمانان که منجر به رکود زبان لاتین در اروپا شد.

ژاپنی‌ها (قرون ۹ تا ۱۰): نیاز به شناخت و جذب فرهنگ چینی، با کره به عنوان واسطه مهم.

قرون وسطی غرب: نیاز به ادغام و جذب دوباره زبان و علوم عربی، عربی و یونانی در اروپای قرون وسطی. رنسانس: ادغام دوباره فرهنگ یونان باستان در غرب

تسخیر و مستعمره سازی: نیاز به شناخت زبان‌ها و گویش‌های آمریکایی، آفریقایی و آسیایی

عصر روشنگری و قرن ۱۹: رکود لاتین، ظهور زبان‌های ملی مدرن به عنوان سنجش دانش بشر.

دوران مدرن: زبان‌های اصلی و فرعی بسیار در حال رقابت.

توضیحات زیر به طور خلاصه نشان می‌دهد که چگونه چین، یونان، ایران، هند، عراق و اسپانیا هر یک فرهنگ اروپا را به روش‌های گوناگون شکل دادند.

مدرسه «چانگ-آن»

آغاز فعالیت‌های ثبت شده کار ترجمه در تاریخ چین به قرن ۱۱ قبل از میلاد برمی‌گردد. اسناد آن دوران نشان می‌دهد که ترجمه توسط کارمندان دولت انجام می‌شد که در واقع نوعی انتقال ایدئولوژی بود. یک سند کتبی از سلسله «زو» وجود دارد که «جیاگونگ‌یان» دانشمند دربار گفته است: «ترجمه یعنی جابجا کردن یک زبان با زبانی دیگر از طریق نوشتن بدون تغییر در معنی برای درک متقابل.»

توصیف ترجمه به این شکل با تمام ابتدایی بودنش وجود نظریه ترجمه را در چین باستان ثابت می‌کند. البته بحث‌های جدی در ترجمه، تا قبل از ورود بودائیسیم در چین در طول ۶ سلسله (۵۸۹-۲۲۲) آغاز نمی‌شود.

درواقع ترجمه زمانی آغاز می‌شود که رهبرهای

مهمی را بازی کرده است.

دو مثال درباره معرفی یک فرهنگ به دیگری از طریق ترجمه در تاریخ وجود دارد:

یکی ترجمه متون بودایی از زبان‌های متعدد هندی به چینی و دیگری ترجمه آثار علمی و فلسفی یونانی و سربانی به عربی که در واقع یعنی معرفی آن‌ها به جهان اسلام.

جنبش‌های ملی ترجمه

دوران مهم در تاریخ ترجمه مربوط به زمانی است که تفاوت و یادعدم تساوی بین دو فرهنگ و یادو ملت با زبان‌های متفاوت وجود دارد.

معمولاً یکی از این ملت‌ها نیاز به جذب دانش بیشتر و بهتر از فرهنگ دیگر را که می‌تواند سیاسی، مذهبی یا علمی باشد پیدا می‌کند.

فهرست زیر اگر چه کامل نیست اما جنبش‌های ملی ثبت شده توسط تاریخ نگاران را نشان می‌دهد که همه نقش عمده‌ای در توسعه فرهنگ جهان داشته‌اند.

قبل از تاریخ: سلطه تعبیر و میانجی‌گری (فرستادگان صلح، معامله‌گران، دلالان، دلالان محبت)

سومری‌ها، آکادی‌ها، آشوری‌ها: نیاز به قانون گذاری، خلق داستان و دیگر کتب مقدس و رفتارهای اقتصادی شناخته شده بین ملل با زبان‌های مختلف.

مصری‌ها: نیاز به برقراری ارتباط با هیتی‌ها و مردم جنوب مصر

یونانی‌ها: نیاز به شناخت تمدن مصر
رومی‌ها: نیاز به شناخت تمدن یونان

چینی‌ها (قرن هشتم بعد از میلاد): نیاز به شناخت تمدن هندی، به ویژه کتب سانسکریت و پالی

پارسی‌ها و عربی‌ها (جندی شاپور و بغداد، قرن ۸ تا ۱۰): نیاز به جذب و ادغام زبان‌های سانسکریت، عربی،



بودایی شروع به ترجمه متون قدیمی بودایی به چینی کردند.

در سال‌های واپسین قرن چهارم، ترجمه به طور رسمی در چین شروع شد. به این منظور مدرسه ترجمه در چین احداث و «دانوان» که یک مأمور سلطنتی بوده به عنوان مدیر آن انتخاب شد. اما او را در سال ۳۷۹ ریودند و به چانگ آن (زی آن) بردند. وی در آن جا مدرسه مشهور «چانگ آن» را بنا کرد. در این هنگام بسیاری از رهبران بودایی از کشمیر به چین آمدند و شروع به ترجمه متون بودایی به چینی کردند. به این ترتیب مدرسه «چانگ آن» مبدل به مهم‌ترین مرکز ترجمه در آن زمان شد.

شواهد موجود نشان می‌دهد که اولین بحث در مورد ترجمه واژه به واژه در برابر ترجمه آزاد در این هنگام مطرح شد. و در حالی که «دانوان» به ترجمه واژه به واژه اعتقاد داشت، حکیم هندی به نام «کوماراجیوا» معتقد به ترجمه آزاد بود. در همین زمان یک حکیم بودایی چینی به نام «زو-آن زانگ» هر دو نظریه را با هم ادغام کرد. او معتقد بود ترجمه باید درست و در عین حال واضح نیز باشد.

در همین دوران بود که کم‌کم عرب‌ها در چین اقامت کردند، زبان آنان را آموختند و ترجمه از عربی به زبان‌های دیگر آغاز شد.

کتابخانه بزرگ اسکندریه

رویای اسکندر مقدونی که یکپارچه کردن جهان بود او را بر آن داشت که کتابخانه بزرگی بنا کند و فرهنگ‌ها و تمدن‌های جهان را گردآوری نماید. محل این کتابخانه را اسکندریه مصر که در سر راه سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا قرار داشت انتخاب کرد.

برخی تاریخ نگاران معتقدند که هفتصد هزار جلد کتاب در این کتابخانه وجود داشته که شامل دست نوشته‌های بودایی، بابلی، یهودی، زرتشتی و رومی بوده است.

«دیمیتریوس» از شهر «فالرون» سیاستمدار آتی و شاگرد ارسطو، اولین کتابدار این کتابخانه شناخته شده است (قبل از میلاد ۲۸۲-۲۹۰). شغل اول او ترجمه عهد عتیق از عبری به یونانی بود. برای این کار او ۷۲ شاخام یهودی را به کار گرفت.

دانشگاه جندی شاپور

دانشگاه جندی شاپور در ایران توسط شاپور اول در قرن سوم پس از میلاد ساخته شد. او دستور داد که کتابهای فلسفه و پزشکی یونان را جمع‌آوری و سپس به پهلوی ترجمه کنند. روش ترجمه در آن زمان واژه به واژه بود. اوج شهرت این آکادمی کمی قبل از اسلام در قرن ششم است که مرکز ترجمه علوم یونانی، رومی، یهودی، سریانی، مسیحی، پارسی و هندی بوده است. حتی علوم چینی نیز از طریق جاده ابریشم به ایران وارد می‌شد. و از این طریق متون بسیاری به این مجموعه آورده شد. مثلاً از آکادمی افلاطون در آتن متون ریاضی و فلسفه افلاطون و ارسطو و متون پتولمی و دیگران. بعد از اسلام نیز حکماء هندی مسائل روحی، ستاره‌شناسی هندی و ریاضیات هندی را در این آکادمی آموزش دادند که بعدها همه این‌ها وارد

اروپای دوران رنسانس شد. بعد از حمله اعراب در سال ۶۳۶ این دانشگاه سالم ماند و در آن زمان با کتابهای علمی هندی، یونانی و فارسی که در اختیار داشت مهم‌ترین مرکز پزشکی جهان به شمار می‌رفت. اهمیت این مرکز حتی در قرن یازدهم که دوران اوج شهرت بغداد به عنوان مرکز روشن فکری بود به قوت خود باقی ماند.

گنری به هند

برخی زبان شناسان معتقدند که خط قدیمی هندی «برهمی» (یا ایندوس) هزاران سال قدیمی‌تر از خط فنیقی است که امروزه آن را قدیمی‌ترین خط می‌دانند.

در آن زمان هندی‌ها از عدد صفر استفاده کردند و نظام دهدهی را گسترش دادند و مفهوم عدد منفی را بنا گذاشتند. این دستاورد ریاضی به مصر رفت و سپس وارد اروپای قرن یازدهم شد. در هند باستان به تدریج هنر، ادبیات و فلسفه شکوفا شد که در نهایت توجه حکماء عرب را به خود جلب کرد.

بیت الحکمت

در سال ۵۲۹ رومی‌ها و پادشاهان بیزانتین کتابخانه‌ها را به آتش کشیدند و بقایای نوشته‌های مانده از یونان باستان نتوانست زبان‌های سال‌های دراز گذشته را جبران کند. اما عرب‌ها این بقایا را ترجمه کردند. این کار توسط تعدادی پناهنده مذهبی و سیاسی یونانی و افرادی که پس از بسته شدن آکادمی افلاطون در یونان به هند، ایران و دیگر قسمت‌های شرقی آمده بودند، انجام شد.

در این هنگام بود که خلیفه مأمون در سال ۸۳۰ بعد از میلاد بیت الحکمت را بنا کرد. بغدادی‌ها می‌خواستند تا آن جا که ممکن است متون مربوط به ریاضیات، ستاره‌شناسی، علوم سماوی، اخلاق شناسی، جغرافیا، مکانیک، موسیقی، پزشکی، فیزیک و فلسفه را که از یونان باستان باقی مانده بود پیدا کرده، ترجمه کنند و به این کار چنان اصرار می‌ورزیدند که به بعضی از مترجمین به اندازه وزن کار ترجمه شده طلا داده می‌شد.

اولین متون ترجمه شده عربی به روش واژه به واژه مانند مترجمین سریانی ترجمه شد. سوری‌ها قبلاً عهد جدید را نیز با این روش ترجمه کرده بودند و تا آن جا که ممکن بود سعی کرده بودند که متن ترجمه شده بسیار با متن یونانی آن نزدیک باشد. عرب‌ها بعد از این روش دست کشیدند و دنباله رو عقیده نویسندگان

یونانی که همان «قابل فهم برای خوانندگان» بود، شدند. آن‌ها متون اصلی یونان باستان را مستقیماً به عربی ترجمه کردند. که در عین حال مقایسه‌ای روی ترجمه‌های آرامی و سریانی آن نیز داشتند.

یکی از مشهورترین حکماء بیت الحکمت، «حنین ابن ایشاق» است که هسته اصلی دانش پزشکی یونان را به عربی ترجمه کرد که شامل سوگندنامه بقراط نیز بود. و به همین دلیل به عنوان مدیر مدرسه انتخاب شد. وی در آن هنگام حداقل ۲۹ رساله در باب پزشکی نوشت یکی از آن‌ها که مشهورترین می‌باشد دارای طراحی آناتومی نیز هست. این کتاب به لاتین ترجمه شد و قرن‌ها سرفصل آموزش پزشکی دانشگاه‌های شرق و غرب بود.

مدرسه تولدو

در سال ۱۰۸۵، مدرسه تولدو در اسپانیا مرکز حکما شد. اطلاعات علمی از عربی به لاتین و سپس به اسپانیایی ترجمه شد. این کار به دانشمندان و رشد فکری مردم بسیار کمک کرد و باعث شد تا رنسانس در اروپا اتفاق بیفتد. به این ترتیب تولدو توانست جای بغداد را که مرکز ترجمه بزرگی به شمار می‌آمد، بگیرد. در سال‌های بین ۱۱۵۲-۱۱۲۶ دفتر ترجمه مدرسه تولدو توانست با مدیریت فردی به نام دیموند که فرانسوی بود از سراسر اروپا افرادی بزرگی مثل «ژرالد از کرومانا» - «جان از سویل» - «آدلارد از باس» - «ابوت از چتر» - «رادولف از بروگ» - «هرمان از کارنتیا» و «مایکل اسکات» را به خود جذب کند. این رویدادها باعث شد که قرن دوازدهم «عصر ترجمه» نام بگیرد.

تا اواسط قرن ۱۳ بسیاری از آثار که در گذشته به عربی، فارسی و هندی ترجمه شده بودند دوباره به لاتین ترجمه شدند. بسیاری از کتابهایی هم که به دست مسلمانان نوشته شده بودند ترجمه شد.

در قرن ۱۳ مدرسه‌ای به نام «پالرمو» در سیسیل احداث شد که کار آن بسیار شبیه به تولدو بود. موضوع اکثر آثار ترجمه شده در این مدرسه ریاضیات، فلسفه و علوم طبیعی بود و هنوز هم هزاران دست نوشته عربی در کتابخانه و ایتیکان درم نگهداری می‌شود، که یادگار آن دوران است.

درواقع مدرسه تولدو دری بود که به دنیای غرب گشوده شده و گنجینه عظیم دانش و روشن فکری از آن عبور کرد و به آن جا رسید.

در حقیقت تاریخ، از گذرگاه تاریخ ترجمه به دست ما رسیده است و به همین دلیل است که «ج کلی» معتقد است که جهان بدون ترجمه تاریخی ندارد.

امروز وقتی می‌بینیم باورهای مردم و فرهنگ‌ها و آیین‌ها اتوماتیک وار از سد زبان‌ها می‌گذرد متوجه حرکتی آرام و غیرقابل رویت می‌شویم که ترجمه بخش لاینفک آن است. در واقع این مترجمین هستند که خطوط راز پشت دیوارهای سرسخت یک فرهنگ با همه خصوصیت‌های زبان شناختی و نوع نگرش و فکر و حصارهای آن به فرهنگ دیگر منتقل می‌کنند و با نگاهی دقیق‌تر به سیر تاریخ می‌توانیم خلایق تک تک مترجمینی را که صفحات علم و دانش راز صافی فرهنگ و زبان گذرانده‌اند ببینیم.

